



1- نصیحت از سر اخلاص

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ نَصَحَ لِلَّهِ وَ أَخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هَدَىٰ لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَ وَفَّقَهُ اللَّهُ لِلرَّشَادِ وَ سَدَّدَهُ لِلْحُسْنِ فَإِنَّ جازَالَهُ آمِنٌ مَحْفُوظٌ وَ عَدُوُّهُ خَائِفٌ مَخْذُولٌ، فَاحْتَرِسُوا مِنَ اللَّهِ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ.»

«هان ای مردم! کسی که برای خدا نصیحت کند و کلام خدا را راهنمای خود گیرد، به راهی پایدار رهنمون شود و خداوند او را به رشد و هدایت موفق سازد و به نیکویی استوار گرداند، زیرا پناهنده به خدا در امان و محفوظ است و دشمن خدا ترسان و بی یاور است و با ذکر بسیار خود را از {معصیت خدای} بپایید.»
(تحف العقول، ج 1، ص 227)

2- شناخت هدایت

«وَ اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا التَّقَى حَتَّى تَعْرِفُوا صِفَةَ الْهُدَى، وَ لَنْ تُمْسِكُوا بِمِثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ وَ لَنْ تَتْلُوا الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي حَرَفَهُ، فَإِذَا عَرَفْتُمْ ذَلِكَ عَرَفْتُمْ الْبِدْعَ وَ التَّكْلُفَ وَ رَأَيْتُمْ الْفُرْيَةَ

عَلَى اللَّهِ وَالتَّحْرِيفَ وَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَهْوَى مَنْ يَهْوَى»

«به یقین بدانید که شما هرگز تقوا را شناسید تا آن که صفت هدایت را بشناسید، و هرگز به پیمان قرآن تمسک پیدا نمیکنید تا کسانی را که دورش انداختند بشناسید، و هرگز قرآن را چنان که شایسته تلاوت است، تلاوت نمی کنید تا آنها را که تحریفش کردند بشناسید، هر گاه این را شناختید بدعت ها و بر خود بستن ها را خواهید شناخت و دروغ بر خدا و تحریف را خواهید دانست و خواهید دید که آن که اهل هوی است چگونه سقوط خواهد کرد.»

(تحف العقول، صفحه 227)

3- فاصله میان حق و باطل

«بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعَ، مَا رَأَيْتَ بَعْضِيكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَ قَدْ تَسْمَعُ بِأُذُنِكَ بَاطِلًا كَثِيرًا.»

«بین حق و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی حق است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.»

(تحف العقول، ص 229)

4- آزادی و اختیار انسان

«مَنْ أَحَالَ الْمَعَاصِيَ عَلَى اللَّهِ فَقَدْ فَجَرَ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَطْعْ مَكْرُوهًا وَ لَمْ يَعْصْ مَغْلُوبًا وَ لَمْ يَهْمِلِ الْعِبَادَ سُدَى مِنْ الْمَمْلَكَةِ، بَلْ هُوَ الْمَالِكُ لِمَا مَلَكَهُمْ وَ الْقَادِرُ عَلَى مَا عَلَيْهِ أَقْدَرَهُمْ، بَلْ أَمَرَهُمْ تَخْيِيرًا وَ نَهَاَهُمْ تَحْذِيرًا.»

«هر که گناهان را به خداوند نسبت دهد، به تحقیق، فاجر و نابکار است. خداوند به زور اطاعت نشود، و در نافرمانی مغلوب نگردد، او بندگان را مهمل و سرخود در مملکت وجود رها نکرده، بلکه او مالک هر آنچه آنها را داده و قادر بر آنچه آنان را توانا کرده است میباشد، آنان را فرمان داده تا به اختیار خودشان آن را بپذیرند و نهیشان نموده تا به اختیار خود بر حذر باشند.»

(تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام ، ج 1 ، ص 231)

5- زهد و حلم و درستی

«قِيلَ لَهُ (عليه السلام) مَا الزُّهْدُ؟ قَالَ: الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى وَ الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا. قِيلَ: فَمَا الْجِلْمُ؟ قَالَ: كَظْمُ الْغَيْظِ وَ مَلْكُ النَّفْسِ. قِيلَ مَا السَّدَادُ؟ قَالَ: دَفْعُ الْمُنْكَرِ بِالْمَعْرُوفِ.»

«از حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) پرسیده شد که زهد چیست؟ فرمود: رغبت به تقوا و بیرغبتی در دنیا. سوال شد حلم چیست؟ فرمود: فرو بردن خشم و تسلط بر نفس. سوال شد سداد و درستی چیست؟ فرمود: برطرف نمودن زشتی به وسیله خوبی.»

(تحف العقول، ص225- الوافی، ج26، ص241)

6- تقوا

«التَّقْوَى بَابٌ كُلُّ تَوْبَةٍ وَ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ وَ شَرَفُ كُلِّ عَمَلٍ بِالتَّقْوَى فَازَ مَنْ فَازَ مِنَ الْمُتَّقِينَ.»

«تقوا و پرهیزکاری سرآغاز هر توبه ای، و سر هر حکمتی، و شرف و بزرگی هر عملی است، و هر که از با تقوایان کامیاب گشته به وسیله تقوا کامیاب شده است.»

(البرهان فی تفسیر القرآن، ج4، ص737)

7- خلیفه به حق

«إِنَّمَا الْخَلِيفَةُ مَنْ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ عَمِلَ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لَعَمْرِي إِنَّ لَأَعْلَامَ الْهُدَى وَ مَنْارُ التَّقَى.»

خلافت فقط از آن کسی است که به روش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برود، و به طاعت خدا عمل کند، و به جان خودم سوگند که ما اهل بیت نشانه های هدایت و جلوه های پرفروغ پرهیزگاری هستیم.

8- حقیقت کرم و دنائت

«قِيلَ لَهُ (عليه السلام): مَا الْكَرَمُ؟ قَالَ: الْإِبْتِدَاءُ بِالْعَطِيَةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ. قِيلَ فَمَا الدَّنِيَّةُ؟ قَالَ: النَّظَرُ فِي الْيَسِيرِ وَ مَنَعُ الْحَقِيرِ.»

از امام مجتبی سوال شد: کرم چیست؟ فرمود: آغاز به بخشش نمودن پیش از درخواست نمودن و اطعام نمودن در وقت ضرورت و قحطی. سوال شد: دنائت و پستی چیست؟ فرمود: کوچک بینی و دریغ از اندک.

9- مشورت مایه رشد و هدایت

«مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ.»

هیچ قومی با همدیگر مشورت نکنند، مگر آن که به رشد و کمالشان هدایت شوند.

10- لئامت و پستی

«الْلُّومُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعَمَةَ.»

پستی آن است که شکر نعمت را نکنی.

11- بدتر از ننگ و زبونی

«الْعَارُ أَهْوَنُ مِنَ النَّارِ.»

نگ و زبونی بهتر از دوزخ رفتن است.

12- رفیق شناسی

«قَالَ الْحَسَنُ (عليه السلام) لِبَعْضِ وَلَدِهِ: يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِهِ عَلَى إِقَالِهِ الْعَثْرَةَ وَ الْمُوَاسَاهِ فِي الْعُسْرَةِ.»

امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزنداناش فرمود: ای پسر! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می رود و کجاها می آید، و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی با او برادری کن به شرط این که معاشرت، بر اساس چشم پوشی از لغزش و همراهی در سختی باشد.

13- کار با توکل

«لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْغَالِبِ وَ لَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ إِتْكَالَ الْمُسْتَسْلِمِ.»

چون شخص پیروز در طلب مکوش، و چون انسان تسلیم شده به قَدَر اعتماد مکن [بلکه با تلاش پیگیر و اعتماد و توکل به خداوند، کار کن].

14- خویشاوند و بیگانه واقعی

«الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ، وَ الْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَ إِنْ قَرَّبَ نَسَبُهُ.»

خویشاوند کسی است که دوستی و محبت، او را نزدیک کرده باشد و اگر چه نژادش دور باشد. و بیگانه کسی است که از دوستی و محبت به دور است و گرچه نژادش نزدیک باشد.

15- اعتماد به مقدرات الهی

«مَنْ اتَّكَلَ عَلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مِنَ اللَّهِ لَهُ لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي إِخْتَارَهَا اللَّهُ لَهُ.»

هر که به نیک گزینی خداوند دلگرم باشد، آرزو نمیکند در وضعی جز آنچه خدا برایش برگزیده، باشد.

16- آثار رفت و آمد در مسجد

«مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَ آخَا مُسْتَفَادًا وَ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرْدُّهُ عَنْ رَدَى وَ تَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً.»

هر که پیوسته به مسجد رود به یکی از این هشت فایده میرسد: 1. نشانه ای استوار (فهم آیات الهی)؛ 2. دوستی قابل استفاده؛ 3. دانشی تازه؛ 4. رحمتی مورد انتظار؛ 5. سخنی که به راه راستش کشد؛ 6. یا سخنی که او را از پستی برهاند؛ 7. و ترک گناهان به خاطر شرم از خدا؛ 8. یا ترک گناهان به خاطر خوف از خدا.

17- بهترین چشم و گوش و دل

«إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ، وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ، أَسْلَمَ الْقُلُوبِ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ.»

همانا بیناترین دیده ها آن است که در طریق خیر نفوذ کند، و شنواترین گوش ها آن است که پند و اندرز را در خود فرا گیرد و از آن سود برد، سالمترین دلها آن است که از شبهه ها پاک باشد.

18- تزکیه در پرتو عبادت

«إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا، إِذَا أَصْرَتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرِيضَةِ فَازْفُصَّوْهَا.»

به راستی هر که عبادت را به خاطر عبادت طلب کند خود را تزکیه نموده است. هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.

19- عاقل خیرخواه

«لَا يَغُشُّ الْعَاقِلُ مَنِ اسْتَنْصَحَهُ.»

عاقل و خردمند به کسی که از او نصیحت و اندرز خواهد، خیانت نکند.

20- ارزش دادن به آثار عبادت

«إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبَلْ مَوْضِعَ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ.»

هر گاه یکی از شما برادر خود را ملاقات کند، باید که محلّ نور پیشانی (یعنی محلّ سجده) او را ببوسد.

21- امید و پشتکار

«وَأَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا، وَإِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلا عَشِيرَةٍ، وَهَيْبَةً بِلا سُلْطَانٍ فَاخْرُجْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.»

برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه زندگی میکنی، و برای آخرت به گونه ای کار کن که گویا فردا خواهی مُرد، و اگر عزّتی بدون بستگان و شکوهی بدون سلطنت خواهی، از معصیت و نافرمانی خدا به طاعت و فرمانبری خداوند عَزَّوَجَلَّ درآی.

22- نشانه های مکارم اخلاق

«مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرَةٌ: صِدْقُ اللِّسَانِ وَ صِدْقُ الْبَاسِ وَ إِعْطَاءُ السَّائِلِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمُكَافَاتُ بِالصَّنَائِعِ وَ صَلَهِ الرَّجِمِ وَ التَّذَمُّمُ عَلَى الْجَارِ، وَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ لِلصَّاحِبِ وَ قِرْءُ الصِّيفِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ.»

مکارم و فضائل اخلاق ده چیز است: 1. راستگویی؛ 2. راستگویی در وقت سختی و گرفتاری؛ 3. بخشش به سائل؛ 4. خوش خلقی؛ 5. پاداش در مقابل کارها و ابتکارات؛ 6. پیوند با خویشان؛ 7. حمایت از همسایه؛ 8. حق شناسی درباره دوست و رفیق؛ 9. میهمان نوازی؛ 10. و در راس همه اینها شرم و حیاست.

23- پرهیز از تملق و بدگویی

«قَالَ (عليه السلام) لِرَجُلٍ: إِيَّاكَ أَنْ تَمْدَحَنِي فَإِنَّا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْكَ أَوْ تُكَذِّبَنِي فَإِنَّهُ لَا رَأْيَ لِمَكْذُوبٍ أَوْ تَغْتَابَ عِنْدِي أَحَدًا.»

امام به شخصی فرمود: مبدا مرا ستایش کنی، زیرا من خود را بهتر میشناسم، یا مرا دروغگو شماری، زیرا دروغگو اندیشه و عقیده [ثابتی] ندارد، یا کسی را نزد من بدگویی نمایی.

24- عوامل هلاکت آدمی

«هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ، الْحِرْصُ، الْحَسَدُ. الْكِبَرُ بِهِ هَلَاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ. الْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. الْحَسَدُ رَائِدُ الشُّوْءِ وَ بِهِ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ.»

هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر، حرص، حسد. تکبر که به سبب آن دین از بین میرود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی است و به واسطه آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سرشت بدی است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

25- تقوا و تفکر

«أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِدَامَةِ التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَ أُمُّهُ.»

شما را به پرهیزکاری و ترس از خدا و ادامه تفکر و اندیشه سفارش میکنم، زیرا که تفکر و اندیشه، پدر و مادر تمام خیرات است.

26- شستشوی دست ها قبل و بعد از غذا

«غَسُلِ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ بَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ.»

شستن دست ها پیش از غذا، فقر را از بین می برد و بعد از غذا، غم و اندوه را میزداید.

27- دنیا، سرای عمل

«النَّاسُ فِي دَارٍ سَهُوٍ وَ غَفْلَةٍ يَعْمَلُونَ وَ لَا يَعْلَمُونَ فَإِذَا صَارُوا إِلَى دَارِ الْآخِرَةِ صَارُوا إِلَى دَارٍ يَقِينٍ يَعْلَمُونَ وَ لَا يَعْمَلُونَ.»

مردم در این دنیا در سرای بیخبری و غفلت به سر میبرند، کار میکنند و نمیدانند. وقتی که به سرای آخرت رفتند، به خانه یقین میرسند، آن گاه است که میدانند، ولی دیگر کار نمیکنند.

28- همراهی با مردم

«صَاحِبِ النَّاسِ بِمِثْلِ مَا تُحِبُّ أَنْ يَصَاحِبُوكَ.»

چنان با مردم مصاحبت داشته باش که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

29- عقاب و ثواب مضاعف

«وَاللّٰهُ إِنِّي لَأَخَافُ أَنْ يَضَاعَفَ لِلْعَاصِي مِنْ الْعَذَابِ ضِعْفَيْنِ وَ أَرْجُوا أَنْ يُؤْتِيَ الْمُحْسِنَ مِنَّا أَجْرَهُ مَرَّتَيْنِ.»

به خدا قسم من ترس از آن دارم که عذاب گناهکاران از ما اهل بیت دو چندان گردد، و امید آن را دارم که نیکوکار از ما اهل بیت نیز پاداشش دو برابر باشد.

30- نقش عقل، همت و دین

«لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ، وَ لَا مُرُوَّةَ لِمَنْ لَاهِمَّةَ لَهُ، وَ لَا حَيَاءَ لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ.»

کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد، جوانمردی ندارد و کسی که دین ندارد، حیا ندارد.

31- تعلیم و تعلّم

«عَلَّمَ النَّاسَ عِلْمَكَ وَ تَعَلَّمَ عِلْمَ غَيْرِكَ.»

مردم را با دانشت، دانش بیاموز و خود نیز دانش دیگران را فراگیر.

32- روی آوردن به چه کسی؟

«لَا تَأْتِ رَجُلًا إِلَّا أَنْ تَرْجُوَ نَوَالَهُ أَوْ تَخَافَ بَأْسَهُ أَوْ تَسْتَفِيدَ مِنْ عِلْمِهِ أَوْ تَرْجُوَ بَرَكَتَهُ وَ دُعَائِهِ أَوْ تَصِلَ رَحِمًا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ.»

نزد کسی مرو، مگر آن که به بخشش او امیدوار، یا از قدرتش بیمناک، یا از دانشش بهره مند، یا به برکت و دعایش امیدوار باشی، یا آن که بین تو و او پیوند خویشاوندی ای باشد.

33- عقل و جهل

«لَا غِنَى أَكْبَرَ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ مِثْلُ الْجَهْلِ وَلَا وَحْشَةَ أَشَدَّ مِنَ الْعُجْبِ، وَلَا عَيْشَ أَلَدُّ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.»

هیچ بی نیازی بزرگتر از عقل و هیچ فقری مانند جهل و هیچ وحشتی سخت تر از خودپسندی و هیچ عیشی لذت بخش تر از خوش اخلاقی نیست.

34- علی (علیه السلام)، دروازه ایمان

«إِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.»

علی (علیه السلام) دروازه ایمان است، هر که داخل آن شد مومن و هر که خارج از آن شد کافر است.

35- حق اهل بیت

«وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَا يَنْتَقِضُ أَحَدٌ مِنْ حَقِّنَا إِلَّا نَقَضَهُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِ.»

قسم به خدایی که محمد (صلی الله علیه وآله) را به حق برانگیخت، هیچ کس از حق ما اهل بیت چیزی را کم نکند، مگر آن که خداوند از عملش چیزی را کم گرداند.

36- اوّل سلام، آن گاه کلام

«مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ.»

کسی که پیش از سلام کردن، آغاز به سخن گفتن نماید، جوابش را ندهید!

37- نیکی و پرسش؟

«الْشُّرُوعُ بِالْمَعْرُوفِ وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤَدِ.»

آغاز نمودن به نیکی و بذل و بخشش، پیش از درخواست نمودن، از بزرگترین شرافت ها و بزرگی هاست.

38- فراگیری و کتابت دانش

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاكْتُبُوهُ وَ صَعُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ.»

دانش را فرا گیرید و اگر توان حفظ کردنش را ندارید آن را بنویسید و در خانه هایتان بگذارید.

39- دعای مستجاب

«أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجَسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرِّضَا أَنْ يَدْعُو اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ.»

کسی که در قلبش جز رضا و خشنودی خدا خطور نکند، چون خدا را بخواند، من ضامن اجابت دعای او هستم.

40- عبادت و پرستش

«مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ.»

کسی که خدا را اطاعت و عبادت کند، خداوند همه چیز را مطیع او گرداند.